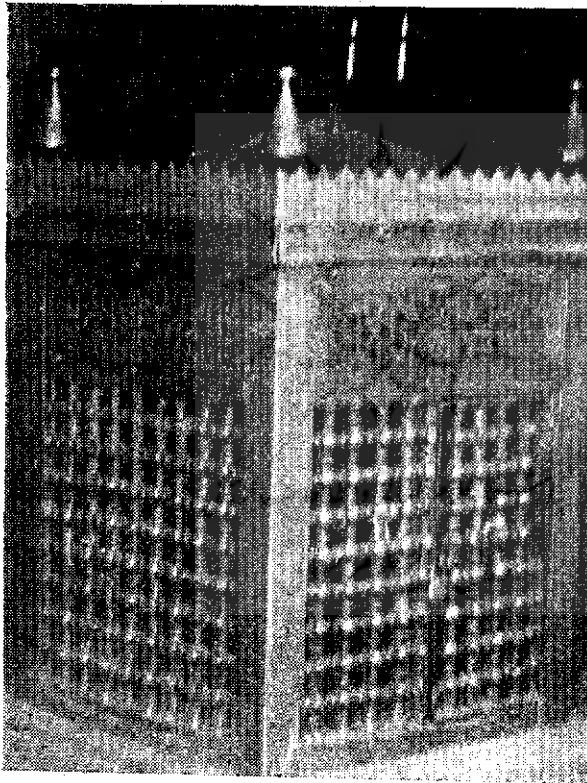


مزارات خراسان

کاظم شاهه چی مدرس دانشگاه مشهد

## شیخ حر عاملی

محمد بن حسن معروف بشیخ حر از معارف دانشمندان ایشیعی است که در سال ۱۱۰۴



ه در جوار مرقد منور  
شمس الشموش برای همیشه  
سر بر آستان اخلاص گذارد

تولدش بسال ۱۰۳۳  
در قریه مشغری (۱) از  
قرای جبل عامل (بخشی  
از لبنان) وقوع یافت .  
مشغری بر فراز کوهی  
که از آن آبهای فراوان  
جاریست واقع گردیده  
و بخوشی آب و هوا و فراوانی  
و نیکوئی میوه ها خاصه  
انگور مشهور است .

این قریه و جیب (۲)  
و جزین (۳) که در  
نزدیکی هم واقعست از  
بلاد قدیمی شیعه نشین

میباشد  
ضریح شیخ حر عاملی که در یکی از غرفات صحن عتیق  
مورد توجه مردم است

۱- مشغری؛ بفتح میم و مکون شین و فتح غین و الف مقصوره .

بقیه باورقی در صفحه ۳۲

جبل عامل ناحیه کوهستانی لبنان است که بواسطه انتساب به (عامله) از اولاد سبا باین نام معروف گشته در عقد الفرید گوید: عامله نسام قبیله حارث بن عدی از اولاد کهلان بن سباست که دو فرزند بنام زاهر و معاویه از عامله قضایه آورد و بنام مادرشان منسوب شدند .

در تاریخ ابوالفداء آمده: که بنی عامله از قبایل یمانی (منسوب به یمین) است که پس از سیل عرم بشام کوچیدند (۴) و نزدیکی دمشق در کوهستانی که معروف به جبل عامله شد سکنی گزیدند .

۲- جبج: (بجیم مضمومه و بباء مفتوحه) سه جبل باین نام معروف است. یکی همدین قریه که در جبل عامل و معروف به جبج الحلاوه است و دیگری جبج الشوف (در لبنان) و سومی جمع بنیامین (در فلسطین) که امتیاز هر يك از دیگری به معنای الیه هر کدام است .

قریه جبج از بهترین قرای این سامان است که بخوشی آب و هوای وفور فوا که معروف است .

شهید ثانی و جمع دیگر از علماء شیمی از این ناحیه برخاسته اند . وهم اکنون مسجدی که شهید بدست خویش تجدید بنا فرموده باقی است .  
آل هر نیز در جبج ساکنند . قبور جمعی از علماء من جمله صاحب معالم و صاحب مدارک و شیخ حسین ظهیری در این قریه است (رک: بر اصد الاطلاع و امل الامل و خطط جبل عامل)

۳- جزین (بکرجم و زاء مکسوره مشدده) از بلاد مهم جبل عامل است که در خوشی آب و هوا مشهور و از دیر زمان محل اقامت و حکومت شید و موجود علمای بزرگ بوده است .

اخیراً (مع الناسف) جز آثاری از تشیع در آن باقی نمانده و کلیه بلاد فعلامیعی نشین است .

از مشاهیر علمای این سامان شهید اول (محمد بن مکی) متوفی ۷۸۶ هـ و شیخ علی صانع تلمیذ شهید ثانی ( و شیخ محمد مؤذن جزینی (بسرعموی شهید ثانی) و جمعی دیگر را میتوان نام برد (رک امل الامل)

۴- شرح داستان (سید عمر) و قوم سبارا در کتابهای: تاریخ عربستان آقای تقی زاده و تاریخ اسلام آقای دکتر فیاض و تفسیر طنطاوی و قصص قرآن اقتباس آقای بلاغی به بینید .

سایر اقوال قداماء را در باره بنی عامله در صحاح اللغه جوهری و مجمع البیان طبرسی و قاموس اللغه و نهایته الارب قله شندی و معجم البلدان باقوت به بینید .

اقوال دیگری در بارهٔ عامله وجود دارد که از ذکران خودداری شد .

باری قبيله عامله از اسلام مانند سایر بلاد شام ولبنان (۱) در قلمرو هرقل (بکسرها وفتح راه) «هراکلیوس» پادشاه روم شرقی (بیزانس) بوده که درموتاه بامسلمین مصاف دادند در فائدهٔ هفتم کتاب امل الامل آمده : چون اباذر (صحابی معروف رسول اکرم) در زمان عثمان بشام تبعید شد عده‌ای در آنجا شیمه شدند آنگاه که وی بدستور معاویه بقری تبعید گشت جمع در آن ولایت بتشیع گرویدند و از آن زمان بعد بر تعداد آنان افزوده گردید . سپس اضافه میکند که این استان اولین مرکزی بوده (که پس از مدینه) مسکن و ماوای شیعیان شده است .

بالجمله شیخ حر از خاندان علمی بزرگی است که در این ولایت میزیسته‌اند . وهم اکنون از احفاد آنان جمعی در جبع در کسوهٔ روحانیت بانجام وظیفه مشغولند (۲) تولد شیخ در شب جمعه ۸ رجب سال ۱۰۳۳ هـ بوده نامبرده پس از دوران کودکی و آموزش خط و تعلیم قرآن شریف و مقدمات ، نزد پدر و جد مادری خود و جمعی دیگر بکسب دانش پرداخت .

آنگاه بقریهٔ جبع که در نزدیکی مشغری است رهسپار و از خرمن دانش علمای این بلاد (که از آنجمله عموی شیخ و شیخ حسین ظهیری و شیخ زین الدین نواده شهید ثانی باشند) خوشه چینی کرد و بر این منوال چهل سال در این بلاد مقیم و با استفاده و افاده اشتغال داشت .

طی این مدت دو بار به حج مشرف شد و اخیراً بقصد زیارت عتبات عالیات و مرقد منور حضرت رضا (ع) بارسفر بست

سبب این مهاجرت ذکر نشده . ولی میدانیم که دوران عمر شیخ مصادف با فروزنده ترین اوقات حکومت شاهان صفوی در ایرانست که علاوه بر رسمیت دادن تشیع در این کشور خود بحمايت و پرورش علمای مذهبی همت میورزیدند و از طرفی شیعه در نواحی سوریه و لبنان در فشار تعصب عامه میگذرانندند خصوصاً که رقابت بین شاهان صفوی و سلاطین عثمانی (که مالک الرقاب بیشتر کشورهای عربی بودند) دامنه این اختلاف

۱- لبنان همان کشور تاریخی فیفیه است که در کناره دریای مدیترانه واقع شده و شهرهای صیدا از قرن ۱۵ تا ۱۳ (ق م) و صور از تا ۱۰ تا ۶ (ق م) بزرگترین بازار تجارت مشرق و بحر الروم بوده و ساکنین آن متمدن ترین مردم جهان آنروز را تشکیل میدادند (رك : تاریخ ملل شرق و یونان آلبرماله)

۲- صاحب جواهر الحکم (ب نقل خطط جبل عامل) در بارهٔ این خاندان گوید :

مثل النجوم التي يهدى بها الساري

من تلق منهم نقل لاقیت سید هم

مذهبی را بالا زده بود و چنانکه می بینیم در حدود نیم قرن قبل از تولد شیخ (در سال ۹۶۶) یکی از بزرگترین علماء شیعه یعنی شهید ثانی که در عالم صفا نیز چون علیات مبرز بود به تیغ بیداد تمصب شهید گشت

از اینرو فرزند برومند این بزرگوار (صاحب معالم) و همچنین نواده وی (صاحب مدارك) بمراق مهاجرت نمودند. و جمعی مانند محقق کرکی و شیخ بهاء الدین عاملی بایران کوچیدند.

لذا بعید نیست که همین اختناق عقیده (در آنجا) و آزادی بلکه تقدیر و تشویق (در اینجا) باعث شد که شیخ در عنفوان جوانی که شوری در سر برای تبلیغ و ترویج مذهب داشت برای همیشه اقامت در مشهد را برون مالوف ترجیح داده باشد.

و چنانکه میدانیم قبل از وی عدوی گرامش شیخ حسین حر همین کار را نموده یعنی باصفهان مهاجرت کرد و بسابقه دیرینه بر شیخ بهائی وارد شد و تا پایان عمر شیخ معزاً نزد وی بسر برد.

اتفاقاً ورود شیخ حر و مدت توقف وی در ایران مقارن سلطنت شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۸) و پسرش شاه سلیمان (۱۰۷۸-۱۱۰۵) است که هر دو از سلاطین نیک سیرت صفویند.

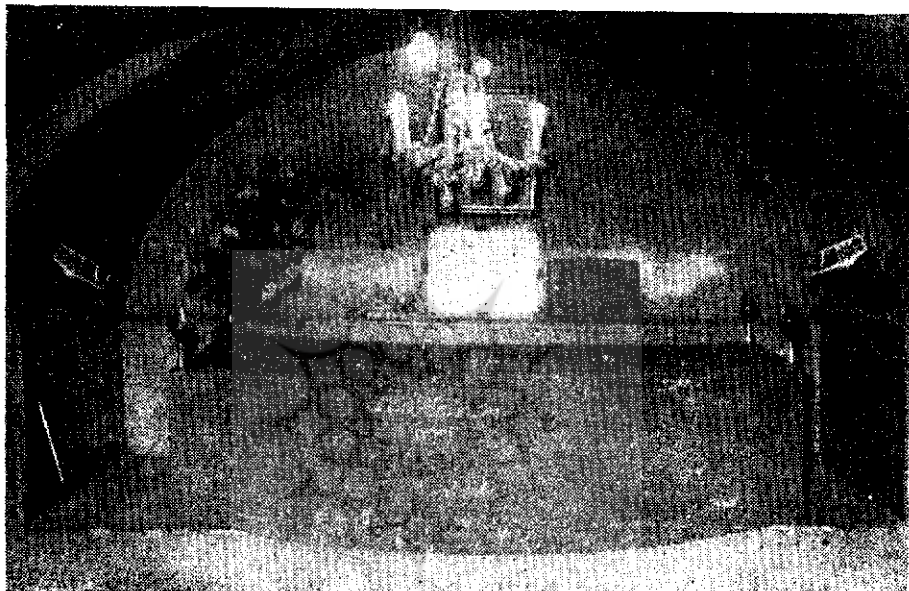
خاصه که وزارت شاه عباس باخلیفه سلطان (سلطان العلماء صاحب حواشی بر شرح لعه و معالم و من لا یحضر الفقیه و غیره) و وزیر شاه سلیمان شیخ علیخان زنگنه (که خود از خدمتگذاران علماء و باذلین بر طلبه است) بوده.

باری شیخ در این استان رحل اقامت افکند و بافاده و نشر حدیث (که این عصر در قرن طلایی این دانش میتوان نامید) همت گماشت و در توالی افادت منصب شیخ الاسلامی و قاضی القضاتی بدو محول گردید گمان می رود این منصب پس از سفر اصفهان و ملاقات سلطان حسب پیشنهاد مجلسی (که سرآمد علمای عصر بوده) بشیخ تفویض شده. زیرا شیخ در زمان اقامت مشهد دوسفر (دیگر) به حج رفت و ضمن یکی از این سفرها باصفهان که در آن اوان مرکز علمی ایران و عالم تشیع محسوب میشد وارد گردید. مجلسی و دیگر علماء مقدمش را گرامی داشته و تجلیل شایانی از وی نمودند.

هنگامی نیز شاه را که خود باهل دین و دانش ذی علاقه بود بملاقات شیخ بردند شیخ نیز از شاه بازدید کرد (۱).

۱- و در همین مجلس است که لطیفه ای بین شاه و شیخ ردو بدل شد (رك روضات الجنات).

طی همین سفر شیخ بمجلسی اجازه روایتی داده و نیز از وی وسید جزائری و شیخ  
 علی سبط ، بنقل حدیث مجاز گشته (۱)  
 باری شیخ در مشهد بنشر احادیث پرداخت و شاگردانی تربیت کرد . تعداد کثیری  
 کتب حدیث بنظر نگارنده رسیده که نزد شیخ قرائت شده و آن بزرگوار بخط خود  
 در اثناء صبحه (بلغ قبلا) گذارده و در آخر اجازه روایتی مرقوم داشته (۲)



مقبرة شیخ حر عاملی رحمة الله علیه که در مدرسه علمیه میرزا جعفر  
 زیر یکی از غرفات صحن مطهر عتیق قرار دارد

۱- بین قدمای محدثین (برای وثوق و اطمینان بمنقولات از ائمه معصومین) اجازه  
 و استحازه مرسوم بود گرچه پس از تدوین مجامع حدیث و فراوانی نسخ آن این کار  
 بیشتر جنبه تشریفاتی دارد ولی از دیرباز تا کندم این رسم بین محدثین معمول و مجری  
 است .

۲- برای نمونه صفحه‌ای از اجازه کبیر انجناب به میر محمد تقی موسوی که در  
 آخر وسائل الشیعه مرقوم داشته بنظر قراء گرامی میرساند .

نسخه این کتاب در کتابخانه مدرسه (علوم دینی) نواب بشماره ۸۸ کتب حدیث

موجود است

شیخ آیتی در توفیق و پشتکار بوده که بامسافرتهای عدیده و اشتغالات قضائی و تدریس و مراجعات مردم توانسته آثار زیاد و نفیسی از خود بیادگار گذارد .

باینکه میدانیم در آن عصر نسخه کتابهای حدیث بسیار کمیاب و در صورت یافت شدن مشکلاتی در تهیه استنساخ آن وجود داشته که منجمله بدی خط و غلطهای نساخ بوده است . و اهل فن مطلعند که تصحیح این غلطها در فن علم الحدیث دارای چه پایه از اهمیت و چه مرتبه از اشکال و صعوبات است . زیرا بیک کلمه بلکه باییش و پس شدن يك نقطه بکلی معنی حدیث که مدار استنباط احکام است عوض میگردد . بااینهمه شیخ بالغ بر بیست رساله و کتاب نوشته که از آنجمله **وسائل الشیعه** است که از حدود دوست کتاب جمع آوری شده (۱) و بیش از چند هزار صفحه (طبق چاپ اخیر) را اشغال کرده

### مولفات شیخ

شیخ با تألیف و مسائل کار استنباط احکام را بسی آسان ساخت و از اینجهت حقی بزرگی بر مکتب فقهی شیعه دارد . تألیف و مسائل بالغ بر بیست سال بطول انجامید (۲) و از آن بی شیخ بکار فهرست آن (۳) پرداخت و پس از فراغ از این مهم اختصاری از آن طی سه جلد ترتیب داد. این منتخب **هدایة الامه** نام دارد که کلیه احادیث مربوط باطعام (با حذف سند و مکررات در آن جمع شده و بمقدمات و خواتیمی ابتداء و اختتام یافته است (۴)

سپس مؤلف از این منتخب انتحایی (شامل احادیث مسائل مهمه فقه) نموده و طبق همین روش اخباری در اصول اعتقادات و اصول فقه و اخباری در طب بدان اضافه نموده و نام این مجموعه را **فصول المهمه** نهاده

۱- ۲- فوائد آخر کتاب هدایة الامه تألیف همین بزرگوار

۳- فهرست و مسائل توسط یکی از شاگردان شیخ بفارسی ترجمه شده کتاب نامبرده که نیز شامل استفاده و نظریه مؤلف از احادیث است بمنزله کتاب فتوائی شیخ و مورد مراجعه عامه بوده

۴- شیخ سبب تألیف هدایة الامه را چنین گوید : که پس از نوشتن و مسائل جمعی از من خوا ستار شدند که فهرستی بر آن نوشته و عناوین ابواب را با ذکر احادیث مرویه در آن باب بیان سازم . سپس در خواست نمودند که احکام منصوصه را با احادیث دالة بر آن در کتابی جمع آورم تا کسانیرا که حوصله مراجعه بتمام اخبار نیست وسیله کار باشد **فجمعت لهم هذا الكتاب اللذی ما لفا حمن منه فی هذا الباب ... و لایخفی انه مع شدة الاختصار اجمع کتب الفقه و الاخبار** . نسخه خطی متعلق بنگارنده

شیخ در فقه و رجال و ریاضیات نیز مبرز بوده و کتبی در این فنون تألیف نموده نیز از شعر بهره وافعی داشته مجموع اشعار وی بر بیست هزار فرزد بوده نامبرده از قریحه ادبی خود در علوم استفاده نموده و منظومه‌هایی در فنون مختلفه سروده که از آنجمله منظومه‌ای در زکوة و منظومه‌ای در مواریث (۱) و منظومه‌ای در هندسه و منظومه‌ای در تاریخ پیغمبر و ائمه (ص) است

سایر تالیفات شیخ بدینقرار است

جواهر السنیه (در احادیث قدسیه)

صحیفه ثانیه سجادیه (۲)

اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات که در تالیف آن از ۱۴۲۲ کتاب اهل سنت

و ۲۴ کتاب شیعه استفاده شده

اهل الأهل (در دو بخش نخست در حالات علمای جبل عامل . و دوم در حالات علمای متاخر از شیخ طوسی تا زمان مؤلف)

این کتاب از مهم‌ترین کتب این فن است که متاخرین در تالیفات مشابه آن از این مجموعه استفاده کرده‌اند .

فوائد طوسیة شامل صدفائده منتخبی از این تالیف در مجموعه‌ای بتوسط یکی از شاگردان شیخ گرد آمده و ضبط شده که از آن نسخه‌ای در کتابخانه مدرسه نواب

۱- بر این منظومه یکی از شاگردان شیخ شرحی بهربی نگاشته و نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس موجود است .

۲- صحیفه سجادیه شامل دعاهاى حضرت سجاد (ع) امام چهارم شیعیان است که باملاء خود آنحضرت بوسیله زید بن علی بن الحسین و حضرت باقر (ع) نقل شده (رك . بمقدمه صحیفه سجادیه) . شیخ سایر ادعیه‌ای که از آن حضرت نقل شده در صحیفه نیامده گرد آورده و بنام صحیفه ثانیه نامیده پس از شیخ ، میرزا عبدالله‌افندی (صاحب ریاض العلماء) آنچه از شیخ فوت شده در مجموعه‌ای گرد آورده و بنام صحیفه ثالثه مسمی ساخته اخیراً حاجی نوری (صاحب مستدرک الوسائل) بدعاهائی از امام برخوردار نموده که در مجامع نامبرده یاد نشده لذا از آن‌ها مجموعه‌ای بنام صحیفه رابعه تدوین نموده سپس مرحوم علامه سید محسن عاملی (صاحب اعیان الشیعه) مستدرکی از آنچه بنظر این بزرگان نرسیده جمع آورده و صحیفه خامسه نام گذارده این پنج صحیفه طبع شده ولی ظاهراً دیگران بدعاهائی از آنجناب برخوردار نموده و مستدرکاتی بر صحائف مزبوره نگاشته‌اند (رك بمقدمه سجادیه طبع آخوندی)

مشهد موجود است .

رساله‌ای در رحمت (الایقظ من النجعه) رساله‌ای در رد بر صوفیه . رساله‌ای در خلقت کافر و جبر و تفویض رساله‌ای در نام بردن مهدی (کشف التعمیه) . رساله‌ای در نماز جمعه . رساله‌ای در اجماع نزهة الاسماع یا تحفة الاسماع) رساله‌ای در تواتر قرآن رساله‌ای در رجال (۱) رساله‌ای در احوال صحابه . رساله‌ای در تنزیه المعصوم من السهو والنسیان) رساله در واجبات و محرمات شرعی (۲) . رساله (عریة العلوم) رساله‌ای در اجازات .

شیخ در آخر عمر تمام همت خود را مصروف نوشتن شرحی بر وسائل فرمود و بطوریکه در اجازه خود بمیر محمد تقی بن محمد صادق الموسوی مورخ شعبان ۱۱۰۰ هـ ذکر نموده جز مقداری از آن ننوشته (لهم ینخرج منه الاقلیل) و معلوم نیست در تمه عمه خود که بیش از چهار سال دیگر نبوده (۳) بچه مقدار از این کار موفق شده ولی پیداست شرح کتابی که متن آن بیست سال تمام عمر مؤلف را اشغال کرده و بقول خود (منع القلب فیها راحته والطرف سنته) در این مدت انجام پذیر نیست

### مذاق شیخ

شیخ بروش اخباریان (۴) بوده و شاید حرص بر اشاعه و انتشار این مذاق در تالیف

۱- شیخ در یکی از خواتیم و سائل مجموعه‌ای در رجال نوشته . و همین رساله را با اضافاتی (مفصلتر و جامعتر) جداگانه تحریر نموده . نسخه‌ای از رساله اخیر بنظر نویسنده رسیده .

۲- ظاهر آ این رساله همان بدایة الهدایة شیخ است که بطبع رسیده .

۳- زیرا فوت شیخ در ۱۱۰۴ هـ است

۴- از دیر باز بین فقهاء شیعه دو طریقه مختلف وجود داشته (اخباریت و اجتهاد) و بر سر این کار نزاعها صورت گرفته و مقالات و رسالاتی از طرفین انتشار یافته بازار این ماجری از قرن یازدهم هجری بعد گرم‌تر گردید و چنانکه میدانیم در قرن دوازدهم و سیزدهم نامر این جدال هر چه تمامتر اراج گرفت ولی وجود مجتهدین بزرگی چون آقا باقر بهبهانی کاشف الغطاء تا اندازه‌ای (بمنفع اصولیین) خاتمه داد .

آقا باقر بهبهانی در فوائد و کاشف الغطاء در حق المبین وسید محمد در فاروق الحق بتفصیل فرقه‌های این دو مذاق را بازگو نموده و بر دین مذهب اخباریین پرداخته اند . باید دانست که جمعی از اخباریین در این مذهب راه افراط رفته و دامنه اختلافات



المهدى عليه السلام وبقائه من الجسد والذوق والجلوس في داره الشهيدة الثماني في سنة  
 وصاله في الايام حتى حوت بمحمد الاعرج في معرفة الاجماع في رسالة الرجل ورسالة الرجل  
 للصحاب والرفيقين من المعصومين واليهود والنسيان وكتاب العقول المهمة في اصول  
 الايمان التي لم يشترط على كلمات الاحكام المنصوص عنها في اصول الدين والاصول العقيدة في العقيدة  
 والطائفة في الاصول والكتابات وقضايا العمومية العلوية والذوق والرفيقين ورسالة الرجل  
 في حقه في الفقه في سنة النبي والائمة عليه السلام في منظوم في تاريخ اهل البيت  
 احواله ومنتظم في الموارد ومنتظم في الزكوة ومنتظم في الفقه في كتاب  
 محرم ورسالة الشريعة ومنتظم في مسائل الشريعة وهو شرح رسالة الشريعة ومنتظم في  
 مسائل الفقه في احواله تمام وغير ذلك من الكتب والرسائل والابحاث والاصول المفردة  
 عليه في الفقه في سنة النبي واهل بيته ورسالة الرجل في مسائل الفقه في  
 وان يدرك الجهد في العلم والعصاة فانها اولى ببيان النجاة والسعادة والدين  
 ما يكون يا مفضل ارباب النسب والجملة والسيادة حرمه عليه عمل المجلس في العالم  
 الحاضر واليه الهدى المقدس الرضوي على من عرفه الصلوة  
 والرفيق في احواله ومنتظم

**دستخط شيخ حر عاملی که بر کتاب وسائل الشیعه نوشته شده است**

را بسط داده اند و در این باب از هر گونه تشنیمی بر اصولیین و مجتهدین کوتاهی ننموده اند  
 از این دسته محدث استرآبادی (صاحب فوائد المدنیه) و سید صدر (صاحب شرح  
 وافیة فاضل تونی) را باید شمرد ولی جمع دیگری باین مرتبه نرسیده و حتی خود بر  
 بعضی اخباریین تاخته اند از این دسته فیض کاشانی (صاحب مفاتیح و وافی) و مجلسی  
 صاحب بحار و محدث بحرانی (صاحب حدائق) را میتوان نام برد .  
 محدث بحرانی در یکی از فواید (درة النجفیه، خود) تعداد کثیری از گفته های  
 اخباریین را بازگو نموده و بر آنان رد کرده

کتاب و پشتکار وی در تدوین حدیث بی‌مدخلیت نبوده ولی خوشبختانه جزو افراطیون این دسته نبوده و حتی از مجتهدین بعظمت و احترام یاد می‌کرده و کتاب‌امل‌الامل وی نموداری از این رویه است

بالینهمه یکی از بخشهای فوائدالطوسیه را بفروق این دو گروه اختصاص داده و جداً از اخبارین طرفداری کرده (۱)

### گوشه‌هایی از زندگی شیخ

چنانکه اشاره شد شیخ سفرهایی نموده که خود در شرح حال خویش از چهار سفر حج و عتبات یاد میکنند .

تاریخ اسفار شیخ ثبت نشده . ولی چون دو سفر اول وی از جیل عامل صورت گرفته قهراً در عنفوان شباب بوده زیرا چنانکه در تاریخ سفر سوم مشاهده می‌کنیم شیخ در کمتر از سی سالگی مقیم مشهد بوده .

سفر سوم وی در سال ۱۰۶۲ یعنی در سن ۲۹ سالگی شیخ بوده (۲) اما سفر چهارم ظاهراً همان سفری است که شیخ طی آن باصفهان رهسپار شده و با علمای آن سامان مبادله اجازه نموده و چون خود در آخر وسائل (۳) مجلسی را آخرین مشایخ اجازه خویش و ویرا آخرین مجاز از خود می‌شمارد چنین استنباط میشود که این سفر در اواخر عمر وی صورت گرفته و از آن پس دیری نگذشته که بدرودجهان گفته .

از سوانح حیوة شیخ که در وی تاثیر عمیقی داشته مرکب در دانشمند و پرهیزکار اوست که پس از مدتها جدائی (و شاید بدرخواست فرزندان) از موطن خود بعزم زیارت حضرت رضا و دیدار فرزندان (۴) از جیب بخراسان سفر کرد . قضا را در بسطام بجوار

۱- فائده نودم (تستمن) این قسمت در حاشیه کتاب حق‌المبین کاشف‌الغطاء طبع شده .

۲- زیرا این سفر مصادف با فوت پدر شیخ است که تاریخ فوت ویرا در سال ۱۰۶۲ نوشته‌اند این سفر پس از فتح قندهار و مراجعت شاه عباس ثانی بمشهد مقدس است و از اینرو محتمل است شاه که خود باهل دین و دانش ارادت داشت برای دلجوئی علمای عتبه رضویه نفقه این سفر را از غنائم مأخوذه پرداخته باشد . خاصه که وزیر دانشمند و دانش دوست وی خلیفه سلطان طی این سفر در معیت شاه بوده و بیاس احترام نوع وسائل ترضیه علماء این شهر را فراهم می‌ساخته

۳- در فائده خامسه

۴- زیرا بعضی برادران شیخ در مشهد مقیم بوده‌اند

حق شتافت و زیارت امام و دیدار فرزند بقیامت افتاد .  
 در این هنگام شیخ برای سومین بار حج میگردد . و خبر فوت پدر در منی بوی  
 رسید و بقول خود عیداضحی بروی از این مصیبت عاشورا شد .  
 عکس العمل این سانحه را شیخ ضمن قصیده ای طولانی که در رثاء پدر ساخته باز  
 گو نموده (۱)

### خاندان شیخ

چنانکه اشاره شد شیخ از بیت بزرگی است که به حر بن یزید رباعی ( صحابی  
 معروف سیدالشهداء (ع) منتهی میشدند . و جمع کثیری از دانشمندان شیعه در آن نشو و  
 نما نموده اند . از بزرگان این خاندان پدر شیخ است که بسال ۱۰۶۳ در معیت فرزند  
 خود شیخ زین العابدین بخراسان سفر کرد و چنانکه دیدیم در راه در گذشت و در این  
 هنگام سن وی بالغ بر ۶۳ سال بوده (۲) .

دیگر چهار برادر شیخ ( شیخ زین الدین و شیخ زین العابدین و شیخ احمد و شیخ علی )  
 است که اولی دانشمندی جامع بوده و در فنون شعر و ادب و فقه و حدیث و ریاضی دست  
 داشته تاریخی بفارسی و شرحی بر رساله اثنی عشریه ( حجه ) شیخ بهائی و رساله ای در  
 هیئت تألیف نموده .

شیخ احمد تفسیر بر قرآن و حاشیه ای بر مختصر نافع و کتابی در اخلاق و دو کتاب  
 در تاریخ نوشته .

شیخ علی نزد شیخ درس خوانده و بسال ۱۰۷۸ در گذشته .

اما شیخ زین العابدین ، در امل الامل ضمن حالات سید زین العابدین موسوی اشعاری  
 از نامبرده در رثاء صاحب ترجمه نقل میکنند . ولی در فوائد الرضویه مؤلفاتی را که از  
 زین الدین نام بردیم بوی نسبت میدهد .

دیگر از علماء این خاندان شیخ عبدالسلام ( جد مادری شیخ ) است که مردی فقیه  
 و محدث و در عین حال زاهد پیشه بود و شیخ درس نده سالگی از محضروی استفاد کرده  
 شیخ عبدالسلام قرآن را محفوظ داشته و در اواخر عمر ( بسن هشتاد سالگی ) نابینا شده

۱- برخی از این قصیده در امل الامل و روضات و فوائد الرضویه آمد .

۲- در امل الامل حیوة پدر را باسن پیغمبر هنگام وفات یکسان شمرده و میدانیم

که سن شریف رسول اکرم ۶۳ سال بوده است

و پس از ده سال از این سانه در گذشته (۱) .

۱- دیگر از آنان شیخ احمد بن حسن پسرخواهر شیخ است که از وی نام بردیم نامبرده عارف بمقلبات و نقلیات بوده و (چنانکه دیدیم) شرحی بر ارجوزة الدواریت شیخ نوشته .

نیز شیخ حسین عموی شیخ سزاوارذکراست . وی همانست که باصفهان مهاجرت و بر شیخ بهائی وارد شده شیخ حسین دارای قریحه شعری بوده و از شیخ بهائی استفاده نموده .

احفاد شیخ نیز بیت جلیلی (در مشهد) تشکیل میدهند که هم اکنون از بقایای آنان وجود دارد .

در راس این بیت فرزند شیخ ، شیخ حسن است که در حدیث و علوم متداول دست داشته و پس از پدر بکار مراجعات مردم میپرداخته است .

### دکتر غلامحسین یوسفی

دانشیار دانشگاه مشهد

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
حقیقت

در جهان گمشده ای دارم من	که ازو هیچ نشان پیدا نیست
همه گویند که او همراه ماست	در بر هیچکسی جز ما نیست
پسی او نزد یکا یک رفتم	دیدم افسوس که با آنها نیست
ای حقیقت ! تو کجا پنهانی ؟	لفظ تو هست ولی معنی نیست
یا مرا چشم بمیسرت نبود	یا اثر از تو درین دنیا نیست
هیچ چیزی بجهان در نظرم	بی فروغ رخ تو زیبا نیست
زندگی بی تو نیرزد بجوی	غیر زندانی جان فرسا نیست